

آینة

انتقاد

خطر عدم تصویب CFT

● **یوسف مولایی:** در دنیایی که مسائل مالی با استانداردها و مکانیسم‌های تعریف‌شده و مورد قبول جامعه جهانی ادامه حیات می‌یابد، نمی‌توان در انزوا آینده‌ای را متصور شد. نمی‌توان در چنین شرایطی ارتباطات و اتصالات با دنیای بیرون را بست. این شرایط مثل این است که درختی با ریشه‌هایش و با طبیعت ارتباطی نداشته باشد، مشخص است که این درخت آرام‌آرام خشکیده می‌شود. اگر CFT تصویب نشود، در کوتاهمدت ممکن است کشور در برخی از حوزه‌ها بتواند امورات خود را بگذراند اما در درازمدت احتمالا خسارات زیادی به کشور وارد می‌شود. اگر کشور این کنوانسیون را نپذیرد، به رقیبان این فرصت را می‌دهد در شرایطی که از هر ابزاری برای شکست و مقابله با ایران استفاده می‌کنند، از این موضوع هم استفاده کنند. درواقع این یکی از ابزارهایی است که می‌تواند در اختیار دشمنان ایران باشد تا علیه ما از آن استفاده کنند. تصویب‌نشدن این کنوانسیون مثل آفت یا بیماری‌ای است که به جان کشور می‌افتد و گرفتارش می‌کند و در نهایت آسیب‌هایش را وارد می‌کند. رهاکار این است که نخبگان، دانشگاهیان، صاحب‌نظران، اهل فن و متخصصان باید فعالیت‌شان را در اطلاع‌رسانی و آگاهی‌دادن به جامعه بیشتر کنند و افراد جامعه را با خطرهای عدم تصویب چنین کنوانسیونی آشنا کنند.

ایران

بول شویی

فعالیت‌های قلابی و مخالفان ظریف

● **غلامعلی جعفرزاده، عضو کمیسون برنامه‌بودجه مجلس:** شکی نیست که هم‌اکنون نیز در سایه سیاستمداران و چهره‌های پر نفوذ سیاسی و اجتماعی کشور، افراد پول‌شُشو خوابیده باشند. نسبت‌های کشف‌شده مدیران و اداره‌کنندگان مؤسسات مالی غیرمجاز که هر کدام تا حجم ده‌ها میلیارد کلاهبرداری داشتند یا پرونده‌های فساد اقتصادی بزرگ در سال‌های اخیر خوبی‌نشان می‌دهد که تمام متهمان و مجرمان، بدون حتی یک استثنا در سایه سیاستون، متنفذین و گاه‌مسئولان کلان پنهان شده بودند. آیا هیچ تضمینی وجود دارد که در سایه سیاست ما بیش از افرادی که تاکنون روابط کثیف مالی و جرایم آنها برپا شده، افراد بیشتری پنهان نشده باشند؟ قطعاً پاسخ منفی است. شکی نیست در سازوکاری که تضمین محکم و قوی برای پاک‌بودن این حوزه ندارد، رشد این دست افراد در سایه فعالیت‌ها و روابط خاص سیاسی نه‌تنها محتمل بلکه قطعی است. اصرار تقریباً تمام مقامات عالی کشور و خصوصاً دستگاه‌های قضائی و امنیتی بر وجود فسادهای بزرگ در ایران مؤید این واقعیت است که ما از این حیث در شرایط خوبی به‌سر نمی‌بریم. در چنین وضعیتی وقتی وزیر خارجه ایران یک واقعیت محتوم در کشور را بیان کرده، حمله به او چیزی جز تلاش برای انحراف از واقعیت نمی‌باشد.

جمهوری اسلامی

تزلزل در ساختار قدرت آل سعود

● با موری بر کارنامه سیاه بن‌سلمان به‌عنوان وزیر دفاع و ولیعهد و شرارت‌هایش در جنگ یبوهود و ابلهانه‌ی یمن، به‌تر می‌توان دریافت که دربار فاسد سعودی و به‌ویژه پادشاه و فرزند شورش همچون کبک، سرها را به زیر برافرا برده‌اند و تمعدا خود را به حماقت و نادانی زده‌اند که گویی حادثه‌ای رخ ننداده و دربار سعودی می‌تواند به شاهزاده جانتیکاری همچون بن‌سلمان افتخار کند. علاوه‌براین، سرمایه‌گذاری بدفرجام سعودی‌ها در بحرین، عراق، سوریه و افغانستان را هم باید بر این مجموعه از ناکامی‌ها اضافه کرد. سعودی‌ها با تشکیل ده‌ها شبکه تروریستی و تحمیل انواع جنایات بر ملت‌های عرب و مسلمان منطقه، درواقع جاده‌صاف‌کن آمریکا و صهیونیست‌ها بوده‌اند و مرکب خیانت‌هایی شده‌اند که حتی اسلاف خائن آنها را هم روسفید کرده است. چه کسی باور داشت که روزی ولیعهد سعودی وقیحانه اعلام کند که دیگر فلسطین جزو اولویت‌های دنیای عرب نیست؟ چه کسی حتی در ذهن خود می‌پروازد که روزی حاکمان عربستان به صورت علنی با اشغالگران صهیونیست نرد عشق بیازند و حتی دیگران را هم برای یپومدن همین راه خائنانه تحت فشار قرار دهند؟

وضعیت در ایران

مستر هانت: آدم باش!

● **وحید مستوفی**...: اروپا ما را سرگردنه گیر آورده و با‌حی‌های سنگینی از ما در ازای همان SPV بیخود خواهد خواست. آنها به خوبی می‌دانند آقای ظریف با اتهام‌زنی به کشور خود چقدر با سیاست‌های آنها همراهی کرده است، بااین‌حال خود را نیازمند ترساندن بیش از پیش مسئولان ایرانی می‌دانند. کسی که دیروز باور کرده آمریکا با یک یمب تمام سیستم دفاعی ما را از کار می‌اندازد، چرا نباید باور کند انگلیس و غربی‌ها می‌توانند دوباره ما را دچار قحطی کنند؟! جر می‌هات البته خوب می‌داند آقای ظریف و دوستانش تخصص‌شان تحقیر توانایی‌های کشور عزیز ما در ابعاد مختلف است و بهتر می‌دانند چنانکه آمریکا در برابر موشک‌های دست‌ساز خماس توان مقاومت ندارد، انگلیس هم در برابر جمهوری اسلامی توان شستن خود را نخواهد داشت. با محمدجواد ظریف اما چه کنیم؟!

politics@sharghdaily.ir

سیاست

انور خامه‌ای، آخرین بازمانده هم درگذشت

پرونده ۵۳ نفر مختومه شد

مصدق بیش از حد لیبرال بود



داشته باشیم تا به نفع مردم خودمان استفاده شود. به هر حال چیزی بود که گذشت...». خامه‌ای بعد از آزادی از زندان در راه‌اندازی حزب توده همراه و سردبیر ارگان رسانه‌ای آن یعنی روزنامه «هربر» بود اما بعدا به همراه خلیل ملکی از حزب انشعاب کرد. با کودتای ۲۸ مرداد مدت کوتاهی دوباره زندانی شد و پس از یک ماه و چند روز آزاد شد. از این هنگام به بعد او دیگر فعالیت سیاسی نداشت و زندگی خود را صرف نوشتن مقالات در نشریات و تدریس در دبیرستان‌های تهران می‌کرد. ۱۵ فروردین ۱۳۴۰ عازم اروپا شد، روزنامه‌نگاری خواند، دکترای اقتصاد گرفت و بعد در دانشگاه‌های کشورهای اروپایی شروع به تدریس کرد و مدت‌ها نماینده و کارشناس سازمان ملل در قاره آفریقا بود و در مسیر تحول کشورهای تازه‌استقلال‌یافته این قاره کمک بسیار کرد، سال ۵۳ به ایران بازگشت و در پژوهشگاه علوم انسانی وابسته به وزارت علوم با رتبه یک دانشیاری به کار پرداخت. در سال ۱۳۶۰ با رتبه چهار دانشیارِی تقاضای بازنستجگی کرد. خامه‌ای در سال ۵۶ ازدواج کرد و در سال ۵۷ صاحب تنها فرزند خود شد.

«انور خامه‌ای» طنز ظریفی داشت که آن را در سال‌های آخر عمر خود هم حفظ کرده بود. مثلا وقتی صحبت از سن‌وسالشی می‌شد، می‌گفت: «متولد ۱۲۹۱ شمسی هستم. ستم بالاس! اما صورتم نشان نمی‌دهد. به قیافه‌ام نمی‌خورد». در گفت‌وگویی با «شرق» درباره اختلافات درون حزب توده و اینکه چرا طیف اصلاح‌طلب نتوانست موفق شود، گفت: «عده‌ای مقهور طیف مقابل شدند و بقیه هم حزب را ترک

امام‌موسی صدر و مسئله تقرب

وحدت فقهی این نیست که میان فقها اختلاف فتوا نباشد و همه مانند هم بیندیشند و مبنا و معیار واحدی داشته باشند.

وقتی از تقرب و وحدت سخن می‌گویم، دشمنان مسلمانان در پی اختلاف‌افکنی هستند. آنان می‌گویند ایران در پی شیعه‌گردن سنیان است و وحدت به این معناست که سنی در شیعه همنم شود یا بالعکس. از سخنان رهبران شیعه و سنی، چنین برمی‌آید که وحدت به این معناست که هر فرقه و مذهب، با حفظ هویت و تشخیص مذهبی خود، در برابر دشمنان مشترک ید واحد باشند. در میان مسلمانان، اشتراکات بسیار و البته اختلافاتی وجود دارد. نیک آن است که در موارد مورد اتفاق، به همدیگر یاری رسانیم و در موارد اختلافی، آن را مدیریت کنیم که منجر به نزاع و جنگ نشود.

امام‌موسی صدر با استناد به حدیث نبوی «اختلاف امتی رحمة»، اختلاف را در مرحله نظریه، رحمت تلقی می‌کند. اگر اختلاف در مرحله نظریه باشد، برای افراد و امت سهولت می‌آفریند و اگر اختلاف به نزاع و درگیری منجر شود، مصیبت‌بار خواهد بود. اختلاف به این معنا و در مرحله نظریه، به پویایی فقه می‌انجامد. اگر این اختلاف‌ها در مرحله عمل و اجرا درست مدیریت نشود، زمینه را برای چنددستگی، تفرقه، بدبینی و سوءظن فراهم می‌کند. امام‌موسی صدر مناسک حج را فرصتی طلایی می‌دانست و از اینکه به سبب اختلاف‌های جزئی و فقهی، نیروهای بالقوه و بالفعل اسلام به‌آسانی هدر می‌رود، به‌شدت رنج می‌برد. او به وحدت افق شعری در کشورهای اسلامی می‌اندیشید تا تلخی اختلاف رؤیت هلال متحد و منسجم بودند. هرگز وضعیت امروز را نداشتند. امروز، جهان اسلام هیچ چیز از دنیای استکبار کمتر ندارد. هراتجه از ابزار مادی در نزد ابرقدرت‌هاست. برای مسلمانان نیز فراهم است؛ اما به دلیل فقدان اتحاد و انسجام، استکبار بر ما مسلط شد. غربی‌ها معتقدند مسلمانان از دو نعمت مادی و معنوی برخوردارند: قرآن و امکانات طبیعی. حال اگر مسلمانان از این نعمات الهی در سایه تقرب، وحدت و انسجام بهره‌برداری کنند، اسباب پیروزی خود را فراهم کرده‌اند؛ اما این میان مسلمانان تقرب، وحدت، تفاهم و تعامل نباشد، این نعمت‌ها و ارزش‌ها نمی‌تواند مسلمانان را به جایگاه اصلی خود بازگرداند. قرآن و اسلام، نعمت معنوی است. قرآن با همان اوصافی که بر رسول مکرم اسلام(ص) نازل شد، کامل و تمام، در اختیار ماست؛ ولی از آن استفاده نمی‌کنیم.

ما از نعمت‌های مادی مانند جمعیت، موقعیت سوق‌الجیشی کشورهای اسلامی و ثروت‌های طبیعی‌ای که در اختیار جهان اسلام قرار دارد، بهره‌رستی بهره‌برداری نکرده‌ایم. این ظرفیت‌ها ایجاب می‌کرد امروز مسلمانان بر تمام دنیا مسلط باشند؛ اما دشمنان با زیرکی و مسلمانان با سادگی، رفتاری نشان دادند که دلارهای نفتی، یعنی ذخیره و گنجینه امت اسلامی، در بانک‌های اروپا، آمریکا و کشورهای غربی جمع شده است. صنایع آن کشورها با این سرمایه عظیم در حال چرخیدن است و کارکنانش مشغول به کار. در صنایع نظامی، با سرمایه مسلمانان و امت اسلامی تجهیزات و تسلیحات جنگی می‌سازند و متأسفانه همان‌ها بر هر مسلمانان می‌ریزند.

امام‌موسی صدر شخصیتی عادی نیست. ایشان در ردیف شخصیت‌هایی مانند سیدجمال‌الدین اسدآبادی، مفتی محمد عبده، رشید رضا، عبدالرحمن کواکبی، حسن البنا و سید ابوالاعلی مودودی است. اینان شخصیت‌هایی بیدار و بیدارگر بوده‌اند. همه اهتمامشان پیشرفت و سعادت امت اسلامی بود. امام‌موسی صدر درباره تقرب و وحدت فقهی می‌گوید: منظور از

گفته‌ام». اما در عین حال معتقد بود که نوشین و علوی آدم‌های برجسته‌ای بودند. او درباره تناقض رویکردی حزب توده در مواجهه با دولت مصدق هم در جایی گفته بود: «توده‌ای‌ها نمی‌دانستند که دوست مصدق هستند یا به عنوان تشکلی مخالف با حداقل منتقد، علیه دولتشش به فعالیت می‌پردازند. در سال ۲۹ که مصدق در تلاش بود تا شرایط برای برگزاری انتخاباتی آزاد و تشکیل مجلسی واقعی و مطابق با قانون اساسی مهیا شود چهره‌هایی چون مکی و بقایی هم با مصدق رابطه داشتند و هم با دولت قوام‌السلطنه مناسبت‌هایی برقرار کرده بودند. همه می‌دانند که توده‌ای‌ها در کل رابطه خوبی با دولت مصدق نداشتند و حتی در برهه‌هایی مصدق را دور زدند. مصدق ستیزی توده‌ای‌ها، به حدی زیاد بود که آنها حتی با انگلیسی‌ها هم لابی کردند. به این شکل که با اخبار کذب سیاه‌نمایی می‌کردند و نماینده‌هایی هم که در مجلس به نوعی دست‌نشانده انگلستان بودند، روزنامه را به صحن پارلمان می‌بردند و از آن به عنوان سندی علیه مصدق استفاده می‌کردند. همکاری با انگلیس برای زیرسؤال‌بردن دولت آن هم از جانب جریانی که همه‌جوره با شوری هماهنگ بود، اوج اختلاف و البته فاصله آنها با مصدق را نشان می‌دهد.»

اما نظر خامه‌ای درباره شخص مصدق این بود که: «مصدق بیش از حد لیبرال بود و به تشکله‌ها و جریان‌ها آزادی بیش از اندازه‌ای می‌داد. به نظر من او نباید اجازه می‌داد تا توده‌ای‌ها به راحتی علیه دولتش جریان‌سازی کرده و به تخریب برنامه‌های دولتش اقدام کنند. در کل مصدق به حقوق بشر بهای زیادی می‌داد و همین عامل باعث شد تا مخالفانش بتوانند کارشکنی‌های خود را به نتیجه برسانند. دکتر مصدق یک اشتباه بزرگ داشت و آن اینکه بیش از حد روح ارتش حساب می‌کرد. اگرچه مصدق یک مشروطه‌خواه تمام‌عیار و آزادی‌طلب بود و به تمام اصول مشروطیت باور این لیجند رضایت‌بخشی بر لبش می‌نشتست و می‌آورد لیجند رضایت‌بخشی بر لبش می‌نشتست و هیجان‌زده می‌شد. درباره آنها به «شرق» گفته بود: «هرکسی کنار جنبه‌های مثبتش جنبه منفی هم دارد؛ برخی اما میلشان به این است که فقط جنبه‌های مثبتشان گفته شود. من مثل استاد بزرگم دکتر ارانی و علوی و هدایت که در روحی‌م تا تأثیر داشتند، سعی نکردم فقط نکته‌های مثبت خودم را بگویم اگر جنبه منفی هم داشته‌ام گفته‌ام از دیگران هم همین‌طور. حتی درباره هدایت که خیلی برایش ارزش قائل بودم و از او یاد گرفته‌ام، جنبه‌های مثبت و منفی‌اش را

در نقد از حزب هم گفته بود: «ما قرار بود خدامان ملت باشیم و برای آزادی بیان و همچنین کم‌کردن مشکلات تلاش کنیم. اما متأسفانه حزب به جایی رسید و به جایی رساندند که به نوکری حرف‌گوش‌کن برای شوری تبدیل شد». او آخرین بازمانده ۵۳ نفر بود که درگذشت.

بعد از کتاب و سنت، اجماع و قیاس، عقل و مصالحه منابع ثانویه‌اند که علما در این موارد، اختلاف دارند.
صلحت اسلامی برای یکپارچه‌کردن صفوف مسلمانان و تقویت روحیه همکاری و تعاون در میان آنان بر نزدیک‌سازی و تقرب مذاهب حکم می‌کند. کنارگذاشتن تفرقه و جلوگیری از انشعابات مسلمانان، امری حیاتی است. تفرقه و جدایی مسلمانان از عوامل ضعف و سستی جوامع اسلامی است. کنارگذاشتن اختلافات و استفاده‌کردن نعمات الهی در سایه اتحاد و انسجام و خرد جمعی، مسلمانان را در وضعیت بهتری قرار خواهد داد.

تعصب و حمیت مذهبی هیچ‌گاه بر اندیشه و عمل امام‌موسی‌صدر غلبه نیافت. ایشان با تکرش اسلامی باز، به همه مذاهب اسلامی توجه داشت. دعوت به اسلام، بر مبنای حکمت و موعظه حسنه، از امور راهبردی ایشان بود. تبلیغ و دعوت‌های امروز با پیروزی همراه نیست، زیرا این دعوت به شیوه انبیا صورت نمی‌گیرد. اگر دعوت به شیوه انبیا بود، امروز جهان کفر مسلمان شده بود. امروز با پیشرفت ارتباطات، انتقال پیام قرآن و اسلام، امری ممکن و سهل است. اگر مسلمانان پیام قرآن و اسلام را به‌درستی انتقال می‌دادند، جوامع غربی فوج‌فوج به مسلمانان می‌پیوستند. اما امروز کدام اسلام را می‌بینند؟ اسلام تکفیری‌ها، اسلام وهابی، اسلام سنی، یا اسلام شیعه؟

امام صدر معتقد است که اصل، دین است. مذاهب برداشت‌ها و روش‌ها هستند. انسان عاقل، هیچ‌وقت هدف را فدای روش و وسیله نمی‌کند. اوج تعهد به مذهب پذیرش هدف واقعی مذهب است و نه زیاده‌روی در آن. اگر اسلام، قالبی ثابت و همیشگی داشت، منجر به سر بردگاری فکر و اندیشه بود. مؤمن در برابر آن خاشع بود و تسلیم می‌شد. مذاهب، غالبا برداشت‌ها و محصول تولیدات عقل انسان هستند. وقتی در فهم حکم دینی، دیدگاه‌های گوناگونی، نه در حوزه منصوص و نص، بلکه در حوزه اجتهاد مطرح شود، کسی هم نمی‌تواند اختلاف ایجاد کند. رد نص قطعی یا ترجیح‌دادن تولیدات اجتهاد در برابر نص قطعی، کفر است. این گفته در حوزه اجتهادات است. ولی اگر در فهم حکم دینی دیدگاه‌های گوناگونی مطرح باشد، انسان مسلمان اجازه اجتهاد دارد و فکر خود را به‌کار می‌گیرد و برای تشریح احکام تلاش می‌کند تا پاسخ‌گوی نیازهای فزاینده و گوناگون همه عصرها باشد. از این لحاظ، اختلاف در اندیشه و مسائل اجتهادی رحمت است که این زمینه را برای پویایی و ارتقای تفکر فراهم می‌کند. دوربودن از یکدیگر و نشناختن مذاهب، عامل ناسازگاری و بدگمانی و تردید و مجالی است مناسب برای فرصت‌طلبان و بدخواهان امام‌موسی‌صدر در این باور است که مقابله با اسرائیل و جلوگیری از تجاوزهای دائمی آن، مستلزم نزدیکی پیروان مذاهب، کنارگذاشتن اختلاف‌های فرقه‌ای و تقویت و پشتیبانی از یکپارچگی ملت است. ایشان در حمایت‌های سیاسی و مالی، هرگز میان مسلمانان شیعه و سنی تبعیض قائل نبود. اقدام به‌موقع و عاجل ایشان برای یاری‌رساندن به افراد اهل سنت روستای این عرب که خانه و کاشانه آنها با حملات اسرائیل ویران شده بود، مستندترین شاهد این مدعاست.

امام‌موسی‌صدر معتقد است که اسلام باید به زبان روز و به شکل علمی ارائه شود. امروز با تعصب بر مذاهبمان بر یکدیگر می‌تازیم و به مقدسات هم توهین می‌کنیم و دانسته و نادانسته در مسیر دشمن حرکت می‌کنیم. دشمنان اسلام و اسرائیل باور داشتند که امام‌موسی‌صدر برنامه‌ها و نقشه‌های آنان را نقش ببر آب خواهد کرد. به همین علت هم ایشان را ربودند.

ادامه از صفحه اول

تعارض یا تعامل انگلیسی؟

اکنون دو طرف لابد توجه دارند که دیگر نه بریتانیا آن امپراتوری خودکامه جهانی است که بتواند اراده خود را به دیگران و بر جهان تحمیل کند و نه ایران آن کشور وامانده، آسیب‌دیده، بهکار، متزلزل، بی‌سواد و منفلع قرن ۱۹ است که ناچار به پذیرش تحمیل‌های ناعادلانه باشد. در چنین شرایطی دو طرف باید با تفاهم بیشتری و فارغ از دیدگاه‌های دیرین بتوانند در شرایط برابر و متعادل مسائل مهمی را که در آن داعیه دخالت و درگیری دارند، حل‌وفصل کنند. فهرست این‌گونه مسائل در اختیار وزرای خارجه دو کشور است که قطعا در این سفر میان جرمی هانت و دکتر ظریف مطرح شده است؛ اما نکته مهم و مشترک سفر هر دو وزیر خارجه بریتانیا به ایران سرنوشت خانم نازنین زاغری است که از پیش از سفر نیز به آن اشاره کرده بودند. شاید وزیر خارجه پیشین بریتانیا با دید روابط اروپایی خود انتظار داشت هنگام بازگشت از ایران خانم نازنین زاغری و شاید سایر متهمان یا محکومان دوتابعیتی را به‌عنوان نشان‌های از حسن نیت برای گشودن باب تازه‌ای در روابط دوجانبه همراه بررد؛ به‌ویژه آنکه درباره آن «مادر» و فرزند خردسالش مسائل عاطفی نیز مطرح شده بود. در شرایطی که غرب درباره موضوع پایان‌دادن به بحران انسانی در یمن چراغ سبز نشان داده و همچنین آینده سوریه و روابط ایران و منطقه با اسرائیل برای غرب اهمیت بسیار دارد، یقینا این مسائل نیز در فهرست مذاکرات وزرای خارجه دو کشور بوده است. جرمی هانت پیش از سفر ناگهانی خود به ایران درباره پایبندی بریتانیا به برجام سخن گفته بود؛ اما دیدار وزیر خارجه انگلیس با علی شمخانی، دبیر شورای امنیت ملی ایران و همچنین دیدار او با خانواده و فرزند خانم زاغری در این سفر یک‌روزه نشان می‌دهد که ملاحظات امنیتی و انتظار آزادی زندانیان امنیتی دوتابعیتی برای او اولویت داشته و به‌عنوان کلید اصلی مذاکرات درباره موضوعات دیگر مطرح بوده است. نوع برخورد دراین‌باره می‌تواند با قدری مدارا را و این دیدگاه صورت‌گیرد که با توجه به محکوم‌بودن این اشخاص، باقی‌ماندن‌شان در زندان می‌تواند برصورتی که مسئولان به جمع‌بندی برسند، می‌توان در تعاملی بین‌المللی در برابر دستاورد مشخصی، شرایط را تسهیل کرد. این‌گونه بده‌بستان‌ها در عرصه بین‌المللی رایج است. درآن صورت باید دید انتظار متقابل در یمن، در سوریه و در باب اجرائی‌شدن عملی برجام چیست؟ از همه مهم‌تر در موضوع اسرائیل و تحمیل پذیرش قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد به آن کشور و دیگران و احترام به مفاد آن قطع‌نامه‌ها و تضمین حقوق فلسطینیان چه باید کرد؟ دیدگاه دیگر مسائلی است که به‌عنوان یک حق از سوی ایران مطرح می‌شود و اینکه نمی‌توان درباره آن تعامل کرد. اگرچه به نظر می‌رسد وزیر خارجه بریتانیا نمی‌تواند انتظار زیادی از این بخش داشته باشد؛ اما می‌توان با نشان‌دادن حسن‌نیت و اراده حل مسائل میان دو طرف، فضا را برای به‌توافق‌رسیدن در سایر موضوعات مهیا کرد.

خبر

مجلس از وظیفه اصلی خود دور شد

● **ایلنا:** علی تاجرنیا درباره طرح استانی‌شدن انتخابات مجلس گفت: متأسفانه مجلس در کشور ما از دو وظیفه اصلی خود که قانون‌گذاری و نظارت است، به‌شدت دور شده و درگیر مسائل جزئی و منطقه‌ای شده است و بعد نظارت و قانون‌گذاری تحت تأثیر مسائل و مناسبات منطقه‌ای قرار گرفته است. او ادامه داد: برای مثال، اگر یک وزیر استیضاح می‌شود یا یک نفر از دولت فرخوانده می‌شود، عمدتا در این نمایندگان‌ها که شهرستان‌ها وارد مجلس شده‌اند براساس منافع منطقه‌ای است؛ یعنی اگر یک وزیری عملکرد موفقی داشته باشد، اما در نصب مسئولان یک شهرستان یا نماینده هماهنگ نباشد آن نماینده به صدر سؤال‌کنندگان و استیضاح‌کنندگان می‌پیوندد برعکس اگر وزیر موفق نباشد، اما در عزل و نصب‌ها به نماینده همکاری داشته باشد، شاهد خواهیم بود که نماینده در کنار وزیر می‌ایستد. او درباره سایر مؤلفه‌های امید به آینده نیز گفت: مردم امروز فکر می‌کنند نمایندگان مجلس و... در نقطه‌ای جدا از آنها قرار گرفته‌اند. این واقعیت در کشور ما وجود دارد که با نوع گزینش‌ها و نظارت‌هایی‌که به صورت می‌گیرد، معدل مسئولان جامعه و یک برش هم از مسئولان داشته باشید، آیا می‌توان این دو را با هم مقایسه کرد؟ این نماینده پیشین مجلس گفت: فاصله بین مسئولان و مردم زیاد شده است و این فاصله نه تنها نوع زندگی بلکه گفتمان این دو گروه را نیز با هم متفاوت کرده است؛ مسئول دولتی یا وابسته به آن در لحن گفتارش هم با لحن مردم عادی متفاوت است. مشی و نوع زندگی و میزان حضورشان در جامعه نیز مردم را بی‌اعتماد و امید به آینده را کم کرده و مهم این است که فاصله‌ها کم شود.